



ایران در آستانه  
انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای اجتماعی کشور

جستارهایی در  
ایران در آستانه انتخابات

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ۱۳۹۴

جستارهایی در

## ایران در آستانه انتخابات

به سفارش شورای اجتماعی کشور

### رصد فرهنگ و اجتماع - ۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ماه ۱۳۹۴

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات / [تهیه و گردآوری] پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، رصد فرهنگ و اجتماع؛ [برای] شورای اجتماعی کشور. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.

۳۶۶ ص.؛ جدول، نمودار. - (رصد فرهنگ و اجتماع؛ ۳)

موضوع: ۱. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - مقاله‌ها و خطابه‌ها ۲. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - جنبه‌های جامعه‌شناختی ۳. انتخابات - ایران  
شناسه افزوده: الف. ایران. وزارت کشور. معاونت اجتماعی. شورای اجتماعی کشور ب. فروست

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج. ۵ الف / ۱۷۱۶ DSR

رده بندی دیویی: ۰۸۴۴/۹۵۵

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات

شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نوبت چاپ: آبان ۱۳۹۴

## فهرست مطالب

مقدمه / سیدمرتضی میرباقری \_\_\_\_\_ ۷

### ■ ■ ■ انتخابات و ملاحظات اجتماعی فرهنگی

- ۱۱ \_\_\_\_\_ پیچیدگی جامعه و کنش جمعی مردم در ایران / محمد آقاسی
- ۲۱ \_\_\_\_\_ نگاهی به رابطه روحانیت و مجلس، از مشروطه تا امروز؛ استغنائی سازمان روحانیت از مجلس / حسن اجرایی
- ۳۳ \_\_\_\_\_ انتخابات پارلمانی، هویت جمعی و امر سیاسی / ریحانه اصلان زاده
- ۴۱ \_\_\_\_\_ سازمان‌های رفاهی، کنترل سیاسی، شهروندی / رضا امیدی
- ۴۷ \_\_\_\_\_ تأملی بر مشارکت طبقه متوسط در انتخابات پیش‌رو / یاسر باقری
- ۵۷ \_\_\_\_\_ پیامدهای نگاه اصلی به جای نگاه آلی به انتخابات در ایران / محمدرضا جوادی یگانه
- ۷۱ \_\_\_\_\_ اقوام و انتخابات / ابراهیم حاجیانی
- ۸۳ \_\_\_\_\_ بررسی هویت مورد نظر گفتمان جمهوری اسلامی ایران در قبال زنان / سید محمدمهدی خوبی
- ۹۷ \_\_\_\_\_ وندالیسم انتخاباتی؛ تخریب اموال عمومی یا تخریب افکار عمومی؟ / محمدمهدی رحمتی
- ۱۰۳ \_\_\_\_\_ اقتصاد انتخابات مجلس / علی سرزعیم
- ۱۱۱ \_\_\_\_\_ لنینی شدن فرایند / علیرضا شجاعی زند
- ۱۲۳ \_\_\_\_\_ امتناع وعده‌های انتخاباتی در سطح ملی / عباس عبدی
- ۱۳۱ \_\_\_\_\_ مجلس شورای اسلامی و سرمایه اجتماعی / غلامرضا غفاری
- ۱۴۱ \_\_\_\_\_ تحلیل پیامدهای اجتماعی و فرهنگی انتخابات؛ از منظر منازعات کلامی / محمد جواد غلامرضا کاشی
- ۱۵۱ \_\_\_\_\_ الزامات مجلس دهم برای بقا و ارتقای ایران / محمد فاضلی
- ۱۶۳ \_\_\_\_\_ گذار به مردم‌سالاری مستقیم / ناصر فکوهی
- ۱۷۱ \_\_\_\_\_ دروغ‌گویی در انتخابات؛ اشکال، سطوح، و پیامدها / حسن محدثی گیلوایی
- ۱۹۵ \_\_\_\_\_ احزاب شه‌ساخته دوره پهلوی و انتخابات / رضا مختاری اصفهانی
- ۲۰۳ \_\_\_\_\_ انتخابات فرصتی برای انشقاق یا ائتلاف / احمد میدری
- ۲۱۵ \_\_\_\_\_ ملاحظات درباره انتخابات در ایران / جواد میری
- ۲۲۳ \_\_\_\_\_ انتخابات و فرهنگ شهرت؛ مشاهیر ورزشی و هنری (سلبریتی‌ها) و انتخابات در ایران / راضیه یاسینی

### ■ ■ ■ انتخابات و مطالبات

- ۲۳۹ \_\_\_\_\_ انتخابات و مطالبات زنان / شیرین احمدنیا
- ۲۴۹ \_\_\_\_\_ انتخابات و مطالبات رأی اولی‌ها / سمیه توحیدلو
- ۲۶۳ \_\_\_\_\_ انتخابات، آموزش عمومی و مسئله آب / جبار رحمانی

- ۲۷۳ \_\_\_\_\_ مطالبات در حوزه گاز طبیعی و آینده ایران / مجید عباسی
- ۲۸۱ \_\_\_\_\_ انتخابات و اقلیت‌های مغفول: صدا و ژئوپلیتیک قومی-دینی / مهرداد عربستانی
- ۲۹۳ \_\_\_\_\_ رصد اقتصاد هنر ایران در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی / محمدرضا مریدی

### ■ ■ ■ انتخابات و رسانه‌ها

- ۳۰۱ \_\_\_\_\_ رویکرد شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به انتخابات ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۰۹ \_\_\_\_\_ استفاده از ظرفیت پیام‌رسان‌های موبایلی در انتخابات / شادی ضابط
- ۳۱۹ \_\_\_\_\_ آن‌لاین بدون ایمیل / محمد معماریان
- ۳۳۱ \_\_\_\_\_ الگوی تبلیغات رسمی انتخابات در ایران با تأکید بر صداوسیما / نوح منوری
- ۳۳۹ \_\_\_\_\_ ناآرامی در نهاد ناپایدار شبکه همراه / فرشاد مهدی‌پور
- ۳۴۷ \_\_\_\_\_ رفتار انتخاباتی با نگاهی به مصرف رسانه‌ای / عباس نعمتی
- ۳۵۷ \_\_\_\_\_ اهمیت ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در آستانه انتخابات مجلس دهم / حسین یزدان‌شناس

## ■ ■ ■ سازمان‌های رفاهی، کنترل سیاسی، شهروندی

رضا امیدی

دکترای رفاه اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی

یکی از نقدهایی که برخی دیدگاه‌ها نسبت به مداخله دولت در حوزه‌های رفاهی مطرح می‌کنند، امکان کنترل سیاسی و اجتماعی برخی گروه‌های جمعیتی از طریق سیاست‌های حمایتی و رفاهی است. اما به‌رغم این نقد، سیاست‌های اجتماعی هنوز بخش مهمی از سیاست‌های احزاب و دولت‌ها را در کشورهای توسعه‌یافته دربرمی‌گیرد. مطالعه برنامه‌های احزاب مختلف در انتخابات اخیر بریتانیا (به‌ویژه دو حزب اصلی محافظه‌کار و کارگر) نیز بر اهمیت سیاست‌های اجتماعی دلالت دارد. از این رو، به نظر می‌رسد استفاده از سیاست‌های رفاهی و حمایتی در کنترل سیاسی و اجتماعی جامعه نه از مداخله دولت، بلکه از شکل‌نگرفتن مفهوم شهروندی و حقوق اساسی شهروندان و نسبت میان دولت و جامعه ناشی می‌شود.

بلیک‌مور و گریگز<sup>۱</sup> (۲۰۰۷: ۱۳۳) در بحث از رابطه دموکراسی و قدرت در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، مفهوم فوتبال سیاسی (Political Football) را به کار می‌گیرند. آنها تمایز میان دو وجه یا دو نقش سیاست‌گذاری اجتماعی را امری اساسی می‌دانند. یک وجه سیاست‌گذاری اجتماعی تلاش برای بهبود رفاه انسان و توسعه خدمات، و وجه

دیگر آن افزایش قدرت حاکمیت و دولت است. در شرایطی که انگیزه‌های سیاسی دولت و احزاب رقیب مدام در حال افزایش باشد، سیاست‌گذاری به یک فوتبال سیاسی بدل خواهد شد که در آن برای دولت و حزب مخالف بسیار مهم است که در این رقابت امتیازی به دست آورند، یا تلاش کنند که جهت سیاست را به سمت ایدئولوژی مورد نظر خود تغییر دهند. این رقابت ممکن است در فرایند تدوین و تصویب و یا در دوره اجرا رخ دهد و حتی به بی‌اثر شدن یک سیاست بینجامد. از سوی دیگر، دامنه و چیدمان گروه‌های ذی‌نفع در لایه‌های مختلف سیاست‌گذاری و موقعیت بافت عمومی که میدان سیاست‌گذاری را احاطه کرده است، می‌تواند بر میزان اهمیت یک سیاست یا مجموعه سیاست‌های اجتماعی برای نیروهای سیاسی اثر بگذارد.

نحوه تصمیم‌گیری‌های دولت در عمل به ماهیت روابط بنیادین قدرت میان حاکمان و شهروندان هر جامعه و به عبارت دیگر ساختار سیاسی جامعه بستگی دارد. از این منظر، اختیارات هریک از قوا و نحوه تقسیم کار بین آنها، نحوه به قدرت رسیدن متصدیان امور و نحوه واگذاری قدرت از طرف آنان به دیگران، نحوه سازماندهی گروه‌های سیاسی، حقوق شهروندان و در نهایت قواعد و مناسبات بازی سیاسی اهمیت اساسی دارند.

یکی از نقدهایی که همواره به سیاست‌های اجتماعی و مداخله دولت‌ها در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی وارد می‌شود، امکان کنترل اجتماعی و سیاسی گروه‌های جمعیتی و دامن‌زدن به سطحی از حامی‌پروری است. این موضوع به‌ویژه در کشورهای دارای اقتصاد رانتی نمود بیشتری دارد.

در ایران نیز دولت‌ها همواره چنین اهدافی را در تدوین و اجرای سیاست‌های اجتماعی مدنظر داشته‌اند، تا جایی که برخی مدیران عالی این حوزه حتی سیاست‌های بعد از انقلاب را نیز در این راستا تفسیر می‌کنند. غالباً، نهادها و سازمان‌های فرادولتی بیشتر در معرض چنین نقدهایی هستند. دولت‌ها همواره سعی کرده‌اند در چارچوب قوانین مختلف با طرح مسئله پاسخ‌گویی، بر عملکرد آنها در زمینه کنترل سیاسی نظارت کنند، اما در این راه توفیقی نداشته‌اند؛ به عنوان مثال، طیفی از تدوین‌کنندگان ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی سعی داشتند با استفاده از این نظام، مانع مداخله کنترلی نهادهای رفاهی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی شوند. قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در دوران مجلس ششم تصویب و در ابتدای مجلس هفتم ابلاغ شد. مجلس هفتم، که با اکثریت اصول‌گرا تشکیل شده بود، با تأسیس وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مخالف بود و یکی از دلایل مخالفت آن، نگرانی بابت استفاده از منابع مالی حوزه رفاه در انتخابات بود؛



به‌اندازه‌ای که در زمان رأی اعتماد به اولین وزیر رفاه و تأمین اجتماعی، به ایشان توصیه می‌شود که:

«این‌ها [نمایندگان طیف اکثریت مجلس هفتم] بر دو چیز حساس‌اند: ۱. مسئله اصلاحات و جریان‌ات سیاسی، حزب و... و فکر می‌کنند که شماها می‌خواهید پول‌ها را ذخیره کنید و مصرف کارهای انتخاباتی کنید؛ ۲. شما یادتان باشد که در مجلس هفتم خط قرمز، کمیته امداد است و نباید با کمیته امداد بحث کنید و دربیفتید.»

همواره درباره کمیته امداد این تصوّر وجود داشته که این نهاد امکان جهت‌دادن به جمعیت تحت پوشش خود را در رقابت‌های انتخاباتی دارد. گستردگی ساختار اداری کمیته امداد و انعطاف‌پذیری سیاستی آن از یکسو و مدیریت طیف محافظه‌کار سنتی بر آن از ابتدای تأسیس تاکنون، به این نگاه دامن زده است. اما، در سال‌های اخیر، کنترلگری خاص این‌گونه نهادها نیست و نهادهای دولتی (نظیر سازمان بهزیستی) و غیردولتی (نظیر سازمان تأمین اجتماعی) نیز در این زمینه نقش دارند و نوعی مبادله میان کنشگران سیاسی و این نهادها در جریان است، به طوری که این کنترل‌ها ماهیتی چندلایه و نخبه‌گرا یافته‌اند؛ به عنوان مثال، سازمان تأمین اجتماعی با توجه به منافع و منابع گسترده‌ای که در آن وجود دارد، به مثابه منبع رانتی نگریسته می‌شود که در سال‌های اخیر در راستای سازماندهی طیفی از نیروهای سیاسی به کار گرفته شده است. در واقع، از یکسو برخی نخبگان سیاسی و گروه‌های ذی‌نفع قدرت امکان یافته‌اند از امکانات و منابع سازمان‌های رفاهی دولتی و غیردولتی برای پی‌ریزی نوعی الگوی حامی‌پروری و کادرسازی استفاده کنند و از سوی دیگر، سطوح بالای سازمان‌های رفاهی نیز (در سطح ملی و محلی) در چنین میدانی وارد شده‌اند.

جدای از این موارد، باید در نظر داشت که امکان فزاینده خبرگیری مردم از مناسبات اجتماعی و سیاسی در نتیجه گسترش رسانه‌ها موجب شده تا میزان مداخله نهادهای رفاهی در سطح ملی کاهش یابد و به تعبیری امکان کنترل اجتماعی از طریق هنجارسازی اجتماعی تضعیف شود. از این رو، این نهادها سطح ارتباط کنترلی خود را از افراد تحت پوشش، به معتمدان و نخبگان محلی و نمایندگان مجلس تغییر داده‌اند؛ به عنوان مثال، افزایش منابع مربوط به کمک‌های موردی در بودجه کمیته امداد و افزایش همیشگی بودجه این نهاد در مجلس شورای اسلامی در زمان تصویب لایحه بودجه نشان می‌دهد مبادله‌ای میان برخی گروه‌های سیاسی با این نهاد وجود دارد. در واقع، طی فرایند نهادینگی، سازمان‌های رفاهی تحت تأثیر فشارها و محیط، به نوعی مبادله می‌پردازند و به تدریج

علاوه بر جمعیت هدف اصلی، هدف‌های دیگری را در راستای بقا یا توسعه سازمانی تعریف می‌کنند که برجسته‌ترین آن مبادله با نخبگان سیاسی و نمایندگان مجلس است. بخشنامه اخیر رئیس کمیته امداد به شعب استانی این نهاد مبنی بر منع مداخله مسئولان کمیته در جریان انتخابات مجلس و عدم پراخت هرگونه مستمری و سبدهای غذایی و خدمات ویژه در یک‌ماهه منتهی به انتخابات، می‌تواند به عنوان دلیلی بر مداخله اثرگذار نهادهای حمایتی در جهت‌دهی به برخی از گروه‌های اجتماعی پنداشته شود.

نقش کنترلی سیاست‌های رفاهی تا حد زیادی به حقوق شهروندی و جایگاه سیاست‌های اجتماعی در اولویت‌های نظام سیاسی بستگی دارد. اصول مختلفی از قانون اساسی ایران به حوزه رفاه اجتماعی اختصاص دارد. به موجب اصل ۲۹ قانون اساسی، برخورداری از مزایای رفاهی و اجتماعی حقی همگانی است که دولت مکلف به تأمین آن برای یک‌یک افراد کشور است. همچنین، در اصل ۴۳ قانون اساسی، تأمین نیازهای اساسی نظیر مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت از ضوابط حاکم بر اقتصاد جمهوری اسلامی است. اهمیت این اصول تا جایی است که می‌توان استدلال کرد که قانون اساسی ایران بر شکل‌گیری دولت رفاهی دلالت دارد. اما به‌رغم این موضوع، رفاه اجتماعی به عنوان حق همگانی به رسمیت شناخته نمی‌شود، بلکه به لطف و سخاوتمندی نظام سیاسی مرتبط دانسته می‌شود. این موضوع حتی در گزارش‌های رسمی برخی نهادهای رفاهی نیز بازتاب دارد. در این دیدگاه، امکان طراحی برنامه‌های رفاهی به منظور کنترل سیاسی گروه‌های جمعیتی افزایش می‌یابد.

با مطالعه انتخابات مختلف ایران، می‌توان دریافت که سیاست‌های اجتماعی در برنامه‌های ارائه‌شده از سوی نامزدها اهمیت چندانی ندارند و به اصطلاح، این حوزه سیاست‌گذاری در نظام اولویت‌بندی مرجعیت ندارد؛ به عنوان مثال، در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری ایران عمده بحث‌های میان نامزدها حول محورهای نظیر مسئله هسته‌ای و سیاست خارجی متمرکز بود که البته این مسئله به شرایط سیاسی دوره نیز مربوط می‌شود. این در حالی است که در کشورهایی که شهروندی بلوغ یافته و گفتمان سیاست‌گذاری اجتماعی کاملاً شکل گرفته است، حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری اجتماعی بخش عمده‌ای در برنامه احزاب دارند؛ به عنوان مثال، در انتخابات اخیر بریتانیا، از ۱۰ محور مورد مقایسه میان احزاب، ۷ مورد به حوزه‌های مسکن، آموزش و پرورش، درمان و حداقل دستمزد اختصاص داشته است. اهمیت سیاست‌گذاری اجتماعی تا جایی است که بابیو (۱۳۸۴)<sup>۲</sup> این حوزه را محور تفکیک میان چپ و راست در دوران مدرن می‌داند.

با توجه به ضعف گفتمان سیاست‌گذاری اجتماعی و حقوق اجتماعی - رفاهی افراد در ایران از یکسو و ساختار سیاسی غیرحزبی حاکم بر ایران از سوی دیگر، می‌توان پیش‌بینی کرد که در انتخابات پیش رو نیز همچون انتخابات پیشین، حوزه‌های مختلف رفاهی چندان مدّ نظر قرار نگیرد و همچنان امکان استفاده از امکانات و خدمات سازمان‌ها و نهادهای حمایتی فرادولتی در انتخابات قابل پیش‌بینی است. از این رو، به نظر می‌رسد پیش و بیش از هر چیز، دامن‌زدن به گفتمان سیاست‌گذاری اجتماعی از سوی نخبگان ملی و محلی در ماه‌های منتهی به انتخابات ضروری است. این اقدام اگر در قابل کنش جمعی سازمان یابد، می‌تواند بر گفتمان حاکم بر انتخابات تأثیر جدی بر جای گذارد. تأکید بر حقوق اجتماعی مصرّح در قانون اساسی و شهروند دانستن مردم در رابطه متقابل نظام سیاسی و جامعه می‌تواند دغدغه‌های رفاهی را به طور جدی‌تری در دستور کار سیاسی جناح‌های رقیب قرار دهد و از تقلیل جایگاه سیاست‌های رفاهی به ابزاری برای حامی‌پروری بکاهد.

### پی‌نوشت

1. Blakemore, Ken; and Edwin Griggs (2007). *Social Policy; an Introduction*, Berkshire: Open University Press.
۲. بابیو، نوربرتو (۱۳۸۴). *چپ و راست؛ اهمیت یک تفکیک سیاسی*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: علم و ادب.